

## اخلاق حرفه‌ای صناعات در فقه شیعه و متون صنفی (مطالعه موردی حق نظارت بر اصناف)<sup>۱</sup>

مهرداد آقاشریفیان اصفهانی\*

پرویز رستگار جزی\*\*

محسن قاسم‌پور راوندی\*\*\*

### چکیده

فقه شیعه به اقتضای جامعیت خود یکی از منابع غنی و مهم برای مطالعه و بررسی آداب و اخلاق کسب‌وکار است. فقها در ابواب گوناگون مرتبط با کسب و کار، تجارت و مکاسب آموزه‌های متعددی را در قالب واجبات و محرمات و گاهی مستحبات و مکروهات بیان فرموده‌اند. این آموزه‌های فقهی پدیدآورنده نوعی خاص از مبانی و اصول اخلاق حرفه‌ای است که در عرصه اقتصاد، کسب‌وکار و صناعت نمودار است. از سوی دیگر این مبانی اخلاق حرفه‌ای و آداب صناعات در متون حرفه‌ای به‌ویژه فتوت نامه‌های صنفی انعکاس یافته است. این مقاله به‌عنوان یک پژوهش فقهی بر آن است تا به روش کتابخانه‌ای و توصیف و مقایسه آموزه‌های فقهی از یک‌سو و متون صنفی از دیگر سو، میزان تأثیرگذاری فقه شیعه در ایجاد مبانی خاص در اخلاق حرفه‌ای صناعات را نشان دهد. پرسش اصلی این نوشتار نیز آن است که چه اصولی از تحلیل و مقایسه آموزه‌های فقه شیعی و مکتوبات صنفی قابل استخراج و استنباط است. ره‌آورد این مقاله نیز بیان اصولی مانند وجوب تأمین معیشت زندگی و شرافت‌بخشی به صناعت، لزوم کسب دانش در کسب‌وکار، لزوم تأسی به سیره پیشوایان توحیدی در صناعت، لزوم توجه به اخلاق و معنویت در صناعات، لزوم ذکر و دعا و توحید محوری در صناعت، برکت کار و مال در پرتو صناعت صحیح و به ویژه تحلیل فقهی حقوقی اصل نظارت بر مشاغل به‌عنوان مبانی اخلاق حرفه‌ای صناعات است.

**کلید واژه‌ها:** فقه شیعه، صناعت، کسب‌وکار، اخلاق حرفه‌ای، حق نظارت.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۶

\* دانش‌آموخته دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)

aghasharifian@gmail.com

\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

\*\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

## ۱- مقدمه

اسلام به‌عنوان آیینی کامل و جامع، برای همه‌ی جنبه‌های مادی و معنوی زندگی بشر از جمله کسب‌وکار و صنعت، دستورها و آداب ویژه‌ای دارد (نساء، ۳۹). بخش اعظم این دستورات در دانش فقه و حقوق انعکاس یافته است. سلسله مقررات درباره مالکیت، تجارت و مجازات مالی، مبادلات، مالیات و ابواب گوناگون در متون فقهی وجود دارد که در قالب اوامر، نواهی، مستحبات و مکروهات بیان شده به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به این موضوع پرداخته است (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ۱، ۶). بررسی و تحلیل این آموزه‌های فقهی، بستر استنباط نوعی خاص از مبانی و اصول اخلاق حرفه‌ای است که در زندگی و سلوک اجتماعی، به‌ویژه کسب و کار و صنعت نمودار است و ما می‌توانیم آن را اصول اخلاق حرفه‌ای صناعات بنامیم. از سوی دیگر اصول اخلاق حرفه‌ای و آداب صناعات در متون صنفی مانند رسائل صنفی به‌ویژه فتوت‌نامه‌های اصنافی قابل استخراج است. تحریر ده‌ها کسب‌نامه، ادب‌نامه و فتوت‌نامه صنفی شاهد صادق آن است.

شیخ صدوق در "کِتَابُ الْمَعِيشَةِ، بَابُ الْمَعَايِشِ وَ الْمَكَاسِبِ وَ الْفَوَائِدِ وَ الصَّنَاعَاتِ" کتاب من لایحضره الفقیه (صدوق، ۱۴۱۳، ۳، ۱۵۶) از جمله قدیمی‌ترین آثار در حوزه کسب‌وکار و آداب و احکام آن را پدید آورده که زیربنای بسیاری از پژوهش‌های فقهی، اخلاقی بعدی در این باب است. کتاب «مکاسب محرمه»، جامع‌ترین اثر فقهی در حوزه کسب‌وکار، از آثار گران‌سنگ شیخ اعظم مرتضی انصاری است و بخش نخست آن به کسب‌وکارهای حرام اختصاص یافته و انواع گوناگون این‌گونه کسب‌ها بررسی شده است. (انصاری، ۱۴۱۵، ۱، ۵). همچنین آداب و اخلاق کسب‌وکار در آثاری چند بررسی شده است؛ علامه مجلسی در حلیه المتقین (مجلسی، ۱۳۹۲)، آیت‌الله جوادی آملی در کتاب مفاتیح الحیاه (جوادی آملی، ۱۳۹۱) و (ایروانی، ۱۳۸۸)، (کلانتری، ۱۳۸۴)، (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۲). در حوزه مطالعات اخلاق صنعت نیز، فرامرزی قراملکی در کتاب اخلاق حرفه‌ای (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵) به نقش اخلاق حرفه‌ای در موفقیت سازمان‌ها می‌پردازد؛ او با طرح چپستی اخلاق حرفه‌ای به تبیین مسؤلیت‌های اخلاقی سازمان پرداخته، آشنایی با مسائل اخلاقی سازمان و شیوه‌های مواجهه با آنها در کسب‌وکار و مهارت حل اثربخش آنها و

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است (نساء، ۲۹).

طرح مطالبی درباره‌ی ترویج اخلاق در سازمان را بررسی کرده است. همچنین (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۶)، (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۹). لیکن در مورد مطالعات تطبیقی آثار معدودی نوشته شده که می‌توان به دو اثر اشاره کرد؛ مقاله فتوت اصنافی الگوی اسلامی ایرانی کسب‌وکار (آقاشریفیان و احمدیان، ۱۳۹۱)، مقاله اصول چهارده‌گانه اخلاق حرفه‌ای معماری و شهرسازی (آقاشریفیان و امین‌پور، ۱۳۹۲).

این نوشتار به دنبال تکمیل مباحث گذشته با رویکرد تطبیقی در حوزه مباحث فقهی و اخلاقی است؛ در این مقاله به روش کتابخانه‌ای، با تحلیل و مقایسه آموزه‌های فقهی، به هدف استنباط اصول اخلاق حرفه‌ای صناعات در فقه شیعه سامان یافته است.

پرسش‌های اصلی این نوشتار نیز آن است که آیا فقه شیعه برای مبانی اخلاق کسب‌وکار و صناعت، طرحی هدفمند، جامع و کاربردی دارد؟ مکتوبات و نوشته‌های صنفی خصوصاً فتوت نامه‌های صنفی چه میزان تأثیرپذیری از آموزه‌های فقه شیعی داشته‌اند؟ ره‌آورد این نوشته نیز، استخراج اصولی مانند توحیدمحوری در صناعات، شرافت بخشی به کار و فعالیت، اتصال پیشه به سلسله قدسی اصناف، اخلاق محوری در صناعات، دانش‌محوری در کسب‌وکار و اصل نظارت بر مشاغل به‌عنوان مبانی اخلاق حرفه‌ای صناعات است. به همین منظور ابتدا معناشناسی صناعت، تجارت و مکاسب، سپس معناشناسی اخلاق حرفه‌ای صناعات، سپس فتوت اصنافی و قواعد عام صناعات در فقه شیعه بررسی می‌شود. بعدازآن مبانی و اصول اخلاق حرفه‌ای صناعات در متون صنفی و فقه شیعه استخراج می‌شود.

## ۲- صناعت، تجارت و مکاسب

صناعت هر علمی است که انسان به آن ممارست کند، چه استدلالی و چه غیراستدلالی تا آنکه همچون حرفه‌ای او شود (ابوالبقاء کفوی، ۱۴۱۹، ۷۵۲)؛ صناعت به معنای پیشه، کار، حرفه، صنعت و هنر است و گاه صناعت را تعبیر کنند به هر عملی که آدمی چندان در آن علم ممارست ورزد که در اثر ممارست آن علم پیشه‌ی او شود. (دهخدا، ۱۳۷۳، ۳۲، حرف صاد). صناعت در آثار فقها به معنای نوع چهارم از انواع چهارگانه معایش و مکاسب عباد شمرده شده و متخذ از حدیث منسوب به امام صادق<sup>۱</sup> علیه‌السلام می‌باشد.

۱ - عن امام صادق صلوات الله و سلامه عليه حيث سئل عن معایش العباد، فقال: جميع المعایش كلها من وجوه المعاملات فيما بينهم مما يكون لهم فيه المكاسب أربع جهات و يكون فيها حلال من جهة و حرام من جهة: فأول هذه الجهات الأربع الولایة، ثم التجارة، ثم الصناعات، ثم الإجازات (حرانی، ۱۳۷۶، ۳۳۱)

در کتاب مکاسب در تفسیر و بیان صناعات آمده: فكلُّ ما يتعلَّم العباد أو يعلمون غيرهم من أصناف الصناعات مثل الكتابه و الحساب و التجاره و الصياغه و البناء و الحياكه و السراج و القصاره و الخياطه (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ۱، ۱۰). تجارت در لغت به معنای خرید و فروش (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴، ۸۹) و نیز خریدن کالا به انگیزه فروختن آن با بهای بیشتر همچنین به کارگیری سرمایه به منظور سود بردن، آمده است (شاهرودی، ۱۳۸۴، ۲، ۳۴۹). برخی فقها، برای عنوان تجارت یا متاجر بابتی مستقل تأسیس کرده و احکام کسب‌ها به نحو کلی و خصوص بیع و انواع آن را به تفصیل در ذیل آن آورده‌اند (همان، ۳۵۰). بعضی، عنوان مکاسب، به معنای «ما يتعلق به الاکتساب» را جایگزین تجارت کرده و در ذیل آن از احکام کسب‌ها و نیز آداب تجارت، سخن گفته‌اند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ۱، ۲).

فالمهم لنا تنقيح التکسب باعتبار نفس المعامله و باعتبار ما يتعلَّق التکسب به علی نحو یدخل تحت ضابط عام بعون الله الملك العلام (همان، ۳).

بنابر این صناعات به‌طور خلاصه تمام کارهای تولیدی، خدماتی، هنری، آموزشی، فنی و فرهنگی را دربر می‌گیرد. منظور ما از صناعات در این مقاله، مطلق کسب‌وکار است.

### ۳- معاشناسی اخلاق حرفه‌ای صناعات

در تعریف اخلاق حرفه‌ای موضوعات متنوعی مطرح شده است؛ برخی محققان بر این باور هستند که اخلاق حرفه‌ای، گونه‌ای از پژوهش‌های اخلاق می‌باشد که به بررسی چالش‌های اخلاقی، تکالیف اخلاقی و مسائل اخلاقی که توسط شاغلین فنون و حرفه‌ها، نظیر پزشکان، وکلا، کارگران و ... تجربه می‌شوند، می‌پردازد. اخلاق حرفه‌ای، وظایف اخلاقی صاحبان حرف مختلف را مشخص می‌کند. یعنی فضایل و رذایل یک حرفه تعیین می‌شوند. در اخلاق حرفه‌ای، صرفاً به وظایف اخلاقی افراد و صاحبان حرفه‌ها اکتفا نمی‌شود، بلکه از مسؤولیت‌های اخلاقی سازمان‌ها و نهادها نیز سخن به میان می‌آید (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵، ۱۳۷).

اخلاق حرفه‌ای صناعات تبیین‌کننده مسؤولیت‌های اخلاقی اهل صنعت و پیشه و هنر در سه عرصه

۱- مولی احمد بن محمد مهدی نراقی (۱۴۱۵) مستند الشیعه فی أحكام الشریعه موضوع، ۱۹ مجلد، مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، قم. "و الأولى أن یعنون لمطلق التکسب کتاباً، و لكل من عقود المعاوضات کتاباً علی حده، و یدکر ما یرد علی المطلق من الآداب و الأقسام فی کتابه، و ما یرد علی نوع خاص منه فی کتابه الخاص، و نحن معنونون کذلک."

زیر است. الف). بعد فردی به‌عنوان یک انسان مسلمان (اخلاقیات فردی). ب). بعد شغلی، به‌عنوان یک صاحب حرفه و پیشه (اخلاقیات اجتماعی شغلی). ج). عضوی از جامعه بزرگ اهل خدمت و صنعت کشور با آرمان‌های بلند ملی و دینی است.

اخلاق حرفه‌ای در صناعات، سنت‌های اخلاقی و ملکات دیرپای اهل پیشه و هنر، مجموعه‌ای از اخلاقیات، آداب ظاهری و آداب معنوی و روش‌های پایدار چه کهن و دیرپا یا نوین و امروزی، در عرصه کار، تولید، پیشه، حرفه و هنر می‌باشد.

#### ۴- فتوت اصنافی

فتوت از حیث اصطلاح اجتماعی و تاریخی، رسم آیینی و فرهنگ خاصی است که از قرن‌ها پیش در میان مسلمانان به‌ویژه ایرانیان طرفدار داشته و نهادهای اجتماعی خاصی برای حمایت و ترویج آن پدید آمده است (ناظمی، ۱۳۸۹، ۲۲) و فتیان و جوانمردان با مجموعه‌ای از فضایل به‌ویژه بخشش، مروت، شجاعت از دیگران ممتاز می‌شدند، ایشان به‌صورت گروه اجتماعی خاصی بودند که نقش بسیار مهمی را در روابط اجتماعی بر عهده داشت و این گروه با شعار بخشندگی، کارسازی و دستگیری از مردم و با آداب خاص این آیین را به کار می‌بستند. آنها به استناد قول لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار، سیره و روش امام علی علیه‌السلام را الگو و سرمشق خویش ساخته بودند (کرین، ۱۳۶۳، ۱۰۹). اهل فتوت به سه گروه قولی یا پیشه‌وران و اهل بازار، سیفی یا جوانمردان سپاهی و شربی یا جوانمردان صوفی تقسیم می‌شود (صراف، ۱۳۵۳، ۱۸۹).

فتوت‌نامه، مکتوباتی است که در باب منش، عقاید، قوانین و آداب جوانمردان نوشته شده است (افشاری، ۱۳۸۲، ۱). بسیاری از فتوت‌نامه‌های صنفی، مربوط به یکی از صنف‌های پیشه‌وران است (آزاد، ۱۳۸۴، ۲۷). این جوانمردی‌نامه‌ها افزون بر اینکه منش جوانمردی را به خوانندگان خود می‌آموزد آنان را با اخلاق و آداب و رسوم پیشه‌وران گذشته نیز آشنا می‌کند؛ فتوت‌نامه چیت‌سازان، فتوت‌نامه آهنگران، سلمانیان، سقاییان، طبّاخان و فتوت‌نامه سلطانی از جمله این گونه فتوت‌نامه‌ها هستند (ناظمی، ۱۳۸۹، ۲۳).

## ۵- قواعد عام صناعات در فقه شیعه

در دانش فقه قواعدی که در تمام ابواب فقه جریان دارند؛ مانند قاعده‌ی لاضرر، «قواعد عامه» نامگذاری شده‌اند (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱۸۰، ۱).

### ۵-۱- قاعده لاضرر

این قاعده معروف، بیانگر این است که سوءاستفاده از یک حق قانونی حرام اس و چون یک عمل خلاف اخلاق محسوب می شود، ممنوع است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۶). این قاعده از بیان مشهور پیامبر صلی‌الله علیه و آله که فرمودند: «لا ضرر ولا ضرار علی مؤمن» و در مورد سوءاستفاده سمره بن جندب از حق مالکیت خود بر درخت خرمایی که در منزل یک انصاری داشت، استخراج شده<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷، ۵، ۲۹۴).

### ۵-۲- قاعده نفی عسر و حرج

قاعده‌ی لاضرر یکی دیگر از قواعد معروف اسلامی است و در تمامی ابواب فقه عبادات، معاملات، سیاست جاری می‌شود. مبنای قاعده‌ی نفی عسر و حرج در آیاتی مثل مایرید الله لیجعل علیکم من حرج (مائده، ۶) و ما جعل علیکم فی الدین من حرج (حج، ۷۸) یافت می‌شود. این آیات شریفه دلالت واضحی بر این امر دارند که خداوند سبحان در دین مقدس اسلام حکم حرجی تشریح نکرده است و از ناحیه هر حکمی که حرج و استیصال و مشقت لازم آید به دستور این آیات شریفه این حکم منقوی و از صفحه تشریح مرفوع است (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۳۶۶).

۱- و شكا الأنصاری الی رسول الله صلی الله علیه و آله فأرسل إلیه رسول الله صلی الله علیه و آله فأتاه فقال له: ان فلانا قد شکاک و زعم أنک تمر علیه و علی أهله بغیر اذنه فاستأذن علیه إذا أردت أن تدخل، فقال: یا رسول الله أستاذن فی طریقی الی عدقی؟ فقال له رسول الله صلی الله علیه و آله: خل عنه و لک مکانه عنق فی مکان کذا و کذا، فقال: لا، قال: فلک اثنان، قال: لأرید، فلم یزل یزیده حتی بلغ عشره أعداق، فقال: لا، قال: فلک عشره فی مکان کذا و کذا فأبی فقال: خل عنه و لک مکانه عنق فی الجنه، قال: لأرید، فقال له رسول الله صلی الله علیه و آله: انک رجل مضار و لاضرر و لاضرر علی مؤمن، قال: ثم أمر بها رسول الله صلی الله علیه و آله فقلعت ثم رمی بها إلیه و قال له رسول الله صلی الله علیه و آله: انطلق و اغرسها حیث شئت.

### ۵-۳- قاعده اکل بالباطل

به معنای تصرف در مال دیگری بدون مجوز شرعی است. به تصریح قرآن کریم تصرف در مال دیگری بدون مجوز شرعی مانند تصرف در مال به دست‌آمده از راه ربا، غصب و قمار، حرام است. این قاعده مبتنی بر آیه ۲۹ سوره نساء است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا**. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است.<sup>۱</sup> می‌باشد. این عنوان یک عنوان کلی و فراگیر است که شامل همه‌ی طرق نامشروع و حرام تحصیل مال می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵، ۳، ۵۵) و بر اساس آن تحمل مال از طرقی مثل تدلیس، خیانت در امانت، رشوه خواری، رباخواری، انعقاد قراردادهای مخالف با اخلاق حسنه یا نظم عمومی، مثل قمار یا قراردادهای که موجب سلب حق تمتع یا حریت از انسان می‌شود، انجام تجارت‌هایی که مستلزم ایراد ظلم و ستم به دیگران می‌باشد (شهید اول، ۱۴۱۰، ۲۰۴ به نقل رضوانی، پیشین، ۱۴).

این قاعده، بر حرمت تصرف در اموال دیگران از راه نامشروع همچون غصب، سرقت و غیر آن و نیز بر اباحه‌ی تصرف به سبب تجارت در صورتی که با اختیار و رضایت دو طرف انجام شده باشد، استناد شده است. مراد از تجارت، مطلق معاوضه از قبیل بیع، صلح و قرض می‌باشد (شاهرودی، پیشین، ۱، ۱۶۹).

### ۵-۴- لزوم وفای به تعهدات

زیربنای هر عقد و معامله‌ای لازم‌الاجرا بودن آن است و دستور اوفوا بالعقود (مأذنه، ۱) که در قرآن کریم به مومنان خطاب شده است، یک توصیه‌ی اخلاق‌گرایانه است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۶). همچنین در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بر لزوم پایبند بودن به قراردادها و تعهدات تأکید شده است. حدیث معروف المومنون عند شروطهم در منابع شیعه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است (عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱، ۲۷۶).

۱ - به این آیه شریفه، آیه‌ی تجارت، آیه‌ی تراضی؛ آیه‌ی اکل به باطل نیز گفته می‌شود (شاهرودی، پیشین، ۱، ۱۶۹).

به موجب این حدیث مسلمانان موظف به پایبندبودن به تعهدات هستند، مگر آنکه چنین تعهدی مستلزم حلال کردن آنچه خداوند حرام کرده است یا حرام کردن آنچه که خداوند حلال کرده است باشد (انصاری، ۱۴۱۵، ۵، ۲۱)؛ همچنین در باب مکروهات و در حوزه مستحبات موارد فراوانی یافت می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۶- استخراج مبانی و اصول اخلاق حرفه‌ای صناعات در تطبیق فقه<sup>۲</sup> و متون صنفی

### ۶-۱- وجوب تأمین معیشت زندگی و شرافت بخشی به صنعت

طبق دیدگاه فقهی، کار برای تأمین معاش واجب است و انسانی که در راه کسب درآمد برای تأمین زندگی سختی می‌بیند، خداوند به او ثواب می‌دهد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که وقتی پیامبر صلی‌الله علیه وآله وسلم از جنگ تبوک مراجعت کرد، سعد انصاری به استقبال وی آمد. حضرت با او مصافحه کرد، دست او را زبر و خشن دید. فرمود: چه صدمه‌ای و آسیبی به دستت رسیده است؟ گفت: با او طناب و بیل کار و درآمد آنرا صرف معاش خانواده ام می‌کنم. حضرت دست او را بوسید و فرمود: هذبه ید لاتمسها النار<sup>۳</sup> (جزری، ۱۳۷۰، ۲، ۳۳۷؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ۷، ۳۵۳). در جوامع انسانی با پیشرفت‌های

۱ - در کتاب «منابع فقه شیعه، جلد ۲۳، صفحات ۲۱۹ تا ۳۶۲ بخش دوم»؛ ۵۶ باب به مستحبات و مکروهات تجارت اختصاص داده شده است، به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. ۱. سوگندخوردن کراهت دارد، مثلاً نسبت به مناسب‌بودن قیمت یا مرغوب‌بودن کالا و نظایر آن، برای ترغیب طرف مقابل به انجام معامله که در واقع نوعی ابزار قرار دادن اعتقادات مذهبی برای درآمدزایی است (شهیداول، ۱۴۱۰، ۱۰۹). ۳. معامله با افرادی که اموال شبهه‌ناک دارند، کراهت دارد؛ مثل ظالمان و ستمکاران یا کسانی که وجوه شرعی (خمس و زکات) اموال خود را نمی‌پردازند (شهید اول، ۱۴۱۴، ۱۰۹). ۴. بلند شدن روی دست دیگری در صورتی که دو تن دیگر در حال نزدیک شدن به تراضی برای انجام معامله باشند، کراهت دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳، ۱۸۷). ۵. کراهت این که شخص شهرنشین و کیل بادیه نشین و روستانشین شود (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۴). زیرا این امر باعث رواج واسطه‌گری و طفیلی‌گری و محروم شدن تولیدکننده اصلی از منافع تولید و گران‌تر شدن کالا برای مصرف‌کننده می‌شود. ۶. کراهت تلقی زکبان، یعنی از شهر خارج شدن و به استقبال قافله‌ها و کاروان‌های رفتن که برای انجام معامله به سوی شهر به حرکت هستند، به قصد آنکه کالاها را از صاحبانش، که از قیمت کالا در شهر بی‌خبرند، به بهای ارزان تری خریداری یا با سوءاستفاده از جهل آنها در مورد قیمت، کالاها را به بهای بیشتری به آنها بفروشند (نجفی، بی‌تا، ۴۷۰، ۲۲). ۷. کراهت تعریف و تمجید کردن از کالای خود و بدگفتن از کالای طرف مقابل (طوسی، ۱۴۰۰، ۳۷۲). ۸. تزئین نکردن و نیاراستن کالا، از آن رو که این کارها ممکن است موجب اغوای طرف مقابل به انجام معامله شود و نیز بیان عیوب احتمالی کالا (شهید اول، ۱۴۱۰، ۱۰۹؛ بروجردی، ۱۴۲۹، ۲۳، ۲۱۹-۳۶۲)

۲ - برای تفصیل بیشتر در این بخش ر.ک. بروجری طباطبایی، حسین، (۱۴۲۹) منابع فقه شیعه، مترجمان: حسینیان قمی، مهدی- صبور، محمد حسین، تعداد جلد: ۳۱ ناشر: انتشارات فرهنگ سبز، تهران. مجید رضایی؛ کار اقتصادی در پرتو بینش و ارزش‌های اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی، بهار ۱۳۸۳، شماره ۱۳، صص ۱۱-۴۲. صنعتکار حسن (۱۳۸۶) اخلاق در بازار «به ضمیمه فتاوی حضرت امام خمینی (قدس سره) در آداب کسب و تجارت» بوستان کتاب، قم.

۳ - عن انس بن مالک قال: ان رسول الله عليه السلام لما اقبل من غزوة تبوك استقبله سعد الانصاري فصطح النبي عليه السلام ثم قال له ما هذا الذي اكتب يدك . قال : يا رسول الله ! اضرب بالمر و المسحاه فانفقه على عيالي. فقبل يده رسول الله عليه السلام و قال هذبه يد لا



روزافزون مناسبات و افزایش نیازها، هر کسی نمی‌تواند تمام نیازمندیهای خود را تهیه و تأمین کند؛ از این رو مشاغل گوناگون پدیدآمده است و بسیاری از صناعات واجب کفایی می‌باشد. مشروعیت و مالکیت سود در فقه شیعه مستند به کسب و کار تولیدی یا خدماتی مشروع است. در قرآن، آیات متعددی درباره مشروعیت و شرافت کسب و کار اشاره دارد؛ مانند فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (جمعه، ۱۰)، همچنین آیات شریفه دیگر چون (طه، ۵۳) و (فاطر، ۱۲)<sup>۱</sup>. در روایات نیز به اهمیت کسب و کار پرداخته شده از جمله پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جَزَاءً أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۲۹، ۹، ۵۴۲)؛ همچنین روایت شده که فرمودند: مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ، ثُمَّ لَا يَعْذِبُهُ أَبَدًا<sup>۳</sup> (نوری، ۱۴۰۸، ۱۳، ۲۴)؛ همچنین آن حضرت فرمودند: مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ يَكُونُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي عِدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَايُخَذُ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ<sup>۴</sup> (نوری، ۱۴۰۸، ۱۳) و روایات<sup>۵</sup> فراوانی که اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد.

تمسها النار. انس بن مالک گوید: موقعی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک مراجعت می کرد سعد انصاری به استقبال آمد. حضرت با او مصافحه کرد، و دست سعد را زبر و خشن دید، فرمود: چه صدمه و آسیبی به دستت رسیده است عرض کرد: یا رسول الله من با وسایل کشاورزی کار می‌کنم و درآمد خرج معاش خانواده ام می‌نمایم. رسول الله صلی الله علیه و آله دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش با آن تماس ندارد.

۱ - الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سَبِيلًا (طه، ۵۳)؛ یعنی همان کسی که زمین را برایتان گهوارهای ساخت و برای شما در آن راهها ترسیم کرد؛ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (جمعه، ۱۰)؛ یعنی آنگاه که نماز جمعه پایان یافت، باز در پی کسب و کار خود، روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و زیاد به یاد خدا باشید؛ شاید رستگار و سعادتمند گردید؛ «و تَرَى الْفَلَكَ فِيهِ مَوَازٍ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (فاطر، ۱۲)؛ یعنی در دریاها، کشتی‌ها را روان‌بینی تا از فضل خدا روزی طلبند؛ باشد که شکرگزار نعمتش باشید.

۲ - عبادت هفتاد جزء است و برترین آن‌ها به دست آوردن مال حلال است.

۳ - هر کس از دسترنج خویش بخورد خداوند با نظر رحمت به او نگاه خواهد کرد و او را عذاب نمی‌کند.

۴ - یعنی هر که از دسترنج خویش خورد، روز رستاخیز در کنار انبیاء باشد و از ثواب آنان برخوردار خواهد شد.

۵ - ر.ک. مجید رضایی؛ کار اقتصادی در پرتو پیش و ارزش های اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی، بهار ۱۳۸۳، شماره ۱۳ صص ۱۱-۴۲. به عنوان نمونه می‌توان به روایاتی چند اشاره کرد: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد: کدام کسب و پیشه‌های پاکیزه تر است؟ فرمود: «عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ وَ كُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ»؛ یعنی پیشه‌های که با دست باشد و نیز هر خرید و فروش مشروع؛ و فرمودند: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ مَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ»؛ یعنی آنکه از دسترنج خویش خورد، در قیامت از پل صراط مانند برق جهنده (سریع) خواهد گذشت؛ و در حدیثی دیگر فرمودند: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا فَتَحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ» (همان)؛ یعنی آنکه از دسترنج خویش، مال حلال خورد، درهای بهشت به روی او باز شود و از هر دری که بخواهد، وارد خواهد شد. امام باقر علیه السلام، انسان بی‌کار را به مردار تشبیه کرده و او را مبغوضترین افراد نزد خداوند می‌داند. آن حضرت فرموده است: «أَبْضُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ جِيفَةٌ بِاللَّيْلِ بَطَالٌ بِالنَّهَارِ» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۸۴، ۱۵۸). معنی بن خینس می‌گوید: امام صادق علیه السلام وقتی مرا دید که از رفتن به بازار کوتاهی کرده ام، فرمود: «اغْدِ إِلَى عَزْكَ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳، ۱۹۲)؛ یعنی صبحگاهان به سوی عزت خود (کسب) حرکت کن. امام صادق علیه السلام به یکی از نزدیکان خود فرمود: «يَا عَبْدَ اللَّهِ احْفَظْ عَزْكَ». ای عبدالله! عزت خود را حفظ کن. پرسیده شد: «و ما عَزِّي فداک؟» آن



حلال و حرام را که برایش مقرر شده از هم تمیز دهد (عاملی، ۱۴۰۹، ۱۷، ۶۶). به همین دلیل فقهای شیعه قائل به استحباب و در برخی موارد وجوب آموختن احکام راجع به اموری که فرد در پرداختن به کسب‌وکار خود متکفل انجام آنها می‌شود، هستند (علامه حلی، ۱۴۱۱، ۹۴)؛ از جمله یادگیری موازین فقهی و نیز نوشتن و حساب و کتاب کردن. این امر اهمیت آموزش موازین فقهی مربوط به کسب‌وکار را نمایان می‌سازد، که در گذشته‌ای نه چندان دور آموختن مستمر این احکام توسط فعالان در بازار سنتی ما پدیده‌ای رایج و معمول بود. حتی فقیهان بر این نکته تأکید کرده‌اند که فرد نباید در صورت عدم آشنایی و نداشتن مهارت لازم، متصدی پیمان‌ه و وزن کردن اجناس شوند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۴). بدیهی است بسیاری از خساراتی که افراد در روابط حرفه‌ای خود با صاحبان حرفه‌های گوناگون متحمل می‌شوند از عدم آشنایی کامل صاحبان حرفه‌ها با دانش‌های مرتبط حاصل می‌شود. در نظر پیشینیان نیز کسب معرفت شغلی در پرتو انتخاب استاد وارسته و آموختن ضوابط شغلی اصلی‌ترین وظیفه شاگرد است. در فتوت‌نامه سلطانی آمده: بدان که هیچ کاری بی‌استاد میسر نمی‌شود و هر که بی‌استاد کاری کند، بی‌بنیاد باشد (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، ۹۰).

### ۶-۳- لزوم تاسی به سیره پیشوایان توحیدی در صناعت

بر اساس آموزه‌های اسلامی، پیامبران و امامان هرکدام صاحب حرفه‌ای بوده‌اند. سرچشمه این باور نصوص قرآنی و روایی است. علامه مجلسی از ابن عباس نقل کرده است: *كَانَ آدَمَ حِرَاءًا وَ كَانَ إِدْرِيسَ خِيَاطًا وَ كَانَ نُوحٌ نَجَارًا وَ كَانَ هُودٌ تَاجِرًا وَ كَانَ إِبْرَاهِيمَ رَاعِيًا وَ كَانَ دَاوُدَ زَرَادًا وَ كَانَ سَلِيمَانُ خَوَاصًّا وَ كَانَ مُوسَى أَجِيرًا وَ كَانَ عِيسَى سِيَاحًا وَ كَانَ مُحَمَّدٌ شُجَاعًا جَعَلَ رِزْقُهُ تَحْتَ رَمْحِهِ* (مجلسی، ۱۴۱۰، ۱۰۰، ۵۶)؛ این فرهنگ در ذهن و ضمیر مؤمنان به تعالیم الهی رسوخ نموده و در زندگی و سلوک اجتماعی ایشان نمودار شده و در مکتوبات آن‌ها به‌ویژه در رساله‌ها و فتوت‌نامه‌های صنفی به‌جای مانده از آن‌ها نمایان است. عقیلی خراسانی درباره منشأ وحیانی طب و دیگر علوم می‌نویسد: حقیقت جمیع علوم حقیقیه و غیر حقیقیه و صناعیه و علمیه، ابتدا بر حضرت آدم ابوالبشر علیه‌السلام به‌حکم آیه کریمه و علم آدم الاسماء کلها ثم عرضهم علی الملائکه نازل و القاء شده و بعد از آن به‌حسب اختلاف زمان و احوال مردم و احتیاج

۱- یعنی از پیامبران، حضرت آدم کشاورز و ادريس خياط و نوح عليه السلام نجار و هود بازرگان و ابراهيم چوپان و داود زره ساز و سليمان حصير باف و موسی کارگر و عیسی علیه السلام جهانگرد و پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله شجاعی شمشیرزن بود.

ایشان، هر یک از علوم در ازمینه مختلف از انبیا و اوصیای ایشان علیهم‌السلام، ظاهر و صادر گشته، به وحی و الهام ربانی و رؤیای صادقه (عقلی خراسانی، ۱۳۸۶، ۵۶۸)؛ مولوی نیز در دفتر چهارم مثنوی معنوی در داستان درآمدن سلیمان علیه‌السلام هرروز در مسجد اقصی، به‌خوبی این مطلب را بیان می‌کند.

این نجوم و طب وحی انبیاست / عقل و حس را سوی بی سو ره کجاست

جمله حرفت‌ها یقین از وحی بود / اول او لیک عقل آن را فرود (مولوی، ۱۳۶۰)

واعظ کاشفی سبزواری در کتاب فتوت نامه سلطانی، به برخی از سندهای مشاغل اشاره می‌کند<sup>۱</sup> (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، ۴۶۸-۴۲۵).

#### ۶-۴- لزوم توجه به اخلاق و معنویت در صناعات

فقه‌های شیعه احکام و آدابی برای کسب و کار و صنعت بیان کرده‌اند که این احکام و آداب بر رفتارهای اقتصادی مسلمانان تأثیر فراوان دارد. در همه‌ی این موارد آنچه انسان را به رعایت این توصیه‌ها و می‌دارد و ضمانت اجرایی ایجاد می‌کند، بیش و پیش از همه توجه به وجدان مذهبی و اخلاق انسانی است. احکام کسب‌وکار نیز دارای محتوایی کاملاً اخلاقی می‌باشند<sup>۲</sup>، یعنی حتی اگر شارع مقدس به‌صراحت آنها را مورد حکم قرار نمی‌داد، موازین اخلاقی بر رعایت آنها تأکید داشتند و رفتار کسی را که آنها را رعایت می‌کرد تحسین می‌نمودند (رضوانی و همکاران، پیشین، ۱۹). در قرآن کریم آمده: ای اهل ایمان بسیاری از علما و راهبان اموال مردم را به باطل طعمه‌ی خود کرده‌اند و از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و انباشته می‌کنند و آنها را در راه خدا انفاق نمی‌کنند آنان را به عذاب دردناک بشارت بده (توبه، ۳۴). پیشینیان اهل حرفه نیز، شرط ورود فرد به صنعت و پیشه را آراستگی و ادب

۱- اگر پرسند که سقایی را از که گرفته‌اند؟ بگوی از چهار پیغمبر و دو ولی. اگر پرسند که شرح این چه گونه است؟ بگوی اول کس از پیغمبران که سقایی کرد حضرت نوح علیه‌السلام بود ... دویم از پیغمبران حضرت ابراهیم علیه‌السلام بود ... سیم از پیغمبران حضرت خضر علیه‌السلام بود ... چهارم از پیغمبران حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم ... اما از اولیاء اول حضرت شاه ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام درجنگ احد تشنگان را آب داد ... دویم عباس بن علی علیه‌السلام که در روز عاشورا در صحرای کربلا مشک در دوش کشید تا تشنگان اهل بیت را سیراب آند ... پس هر که امروز به عشق شهیدان کربلا سقایی می‌آند به متابعت و موافقت عباس علی است و پیش رو سقایان امت اوست و هر که این معنی نداند او را سقایی مسلم نیست؛ و بعضی اسناد سقایی در این امت بعد از امیر و عباس به سلمان فارسی کنند که پیوسته مشک آب به دوش کشیدی و به خانه حضرت فاطمه علیها السلام آوردی و این نقل نیز درست است که پیر سلمان در این کار حضرت شاه مردان است. (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، ۴۲۵-۴۶۸)

۲- ر.ک (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۶)، (نجفی، بی‌تا، ۲۲، ۴۶۳) و (شهید اول، ۱۴۱۰، ۱۰۹ و ۱۰۸)

دانسته و اهلیت یافتن و تخلق به اخلاق جوان‌مردی و پاک‌گردیدن از هر گونه رجس و ناپاکی را شرط حضور وی می‌دانسته‌اند (واحد جوان، ۵۵). نظم، اتقان و کارایی، پاک و طیب بودن نظام تولید، دوری از خیانت و اجحاف، تعهد و ایثار در کار، خوب کار کردن، تقدم کیفیت بر کمیت، توأمان بودن ادب درس و ادب نفس از صفات بارز اهل صنعت بوده است. هم چنین اعطا و اخذ یا تعلیم و تعلم در انتقال مهارت‌ها و راز و رمزها که از استاد به شاگرد می‌رسیده نیز در گرو یافتن اهلیت بوده است (آقاشریفیان و امین‌پور، پیشین، ۳۴۷-۳۷۴). شاگرد می‌بایست از توقف در اخلاق و عادات بد و خودبینی، خودپسندی‌ها و غرور و دنیاطلبی پرهیز می‌کرده و وجود خویش را برای درک حقایق و رموز آماده می‌کرده است (واحد جوان، ۵۵). در فتوت نامه بنایان می‌خوانیم: اگر پرسند که کدام خصلت بنایان بیشتر بکار آید بگو حیا چرا که حیا و چشم پاک داشتن از خصلت‌های جوان‌مردان است و بخصوص بنایان را بکار آید که چون بر کار بالا روند چشم پاک دارند و در خانه دیگران ننگرند و چون نا خواسته عورت دیگران ببیند چشم بسته دارد و هرگز چون بر کار باشد به اطراف ننگرد و آنچه ببیند چشم پوشد (خان‌محمدی، ۱۳۷۱، ۱۴). در منظر پیشه‌گران، کار، هدف غایی نبوده، بلکه وسیله ای برای پرورش و رشد بعد شخصی و اجتماعی است. صنایع نزد اهل معرفت پیشه‌ای بوده است که با آن هم اشتغال به کار داشته‌اند و هم اینکه این پیشه و کار، راه سلوک معنوی آنان محسوب می‌شده است. پیشه این صنعتگران قبل از اینکه جنبه اقتصادی داشته باشد، جنبه معنوی داشته است و با آداب و سنن فراوانی همراه بوده است (ندیمی، ۱۳۷۴، ۴۵۸).

#### ۶-۵- لزوم نیت توحیدی، توجه به ذکر و دعا در صنعت

در نگاه توحیدی، تنومندی، توانمندی، هنر، استعداد، مال، پیشه، مواهب حضرت حق و امانت‌های الهی هستند؛ هم چنین، کار و تلاش اقتصادی و خدماتی به‌عنوان یک سلوک دینی شمرده شده و کار به‌عنوان یک وظیفه الهی مطرح است. داشتن نیت تقرب توحیدی در کار و تولید بر اهل پیشه فرض بوده و در دیدگاه ایشان کار و تولید به‌صورت یکی از مصادیق عمل صالح تلقی می‌شود. توسل، ذکر و یاد خدا نیز رکن بارز توحید محوری است. لذا از آداب صنعت استحباب دعا و ذکر خدا گفتن در هنگام معامله و کسب‌وکار است (نجفی، بی‌تا، ۲۲، ۴۶۵). همچنین (بروجردی، ۱۴۲۹، ۲۳، ۲۴۲). این دعا از امام صادق علیه السلام در هنگام ورود به بازار روایت شده است: اللهم انی أسألك من خیرها و خیر أهلها و اعوذ بک من شرها و شر أهلها، اللهم انی اعوذ بک من ان اظلم و اظلم، او ابغی او یبغی علی او اعتدی او یعتدی علی.

اللهم الى اعوذ بك من شر ابليس و جنوده و شر فسقه العرب و العجم و حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت و هو رب العرش العظيم<sup>۱</sup> (عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۳۰۱). همچنین حضرت فرمودند: من ذكر الله عزوجل في الاسواق غفر الله له بعدد اهلها<sup>۲</sup>. همچنین آن حضرت فرمودند: من قال في السوق، اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، كتب الله له الف حسنه(همان، ۳۰۳). در فتوت نامه بنایان است: اگر پرسند که چون بر سر کار روی کدام آیه از کتاب خدا را قرائت کنی، بگو که این کلام خداوند را که فرماید: وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (النجم، ۳۹) ... و اگر پرسند چون خشت دو نیمه کنی چه خوانی، بگوی: فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (المؤمنون، ۱۴) الحمدالله رب العالمين ... (خان‌محمدی، ۱۳۷۱، ۱۵): در فتوت نامه آهنگران آمده: اگر ترا پرسند برای دم نشینی چه می‌خوانی؟ جواب بگویم بسم‌الله الرحمن الرحيم، فتبارك الله احسن الخالقين، الحمد لله رب العالمين... اگر ترا پرسند وقتی که آهن را کشیده برسدن می‌نهی چه می‌خوانی؟ جواب بگو: أَنْ اتَّبِعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً (النحل، ۱۲۳) (افشار، ۱۳۸۹، ۱۲).

## ۶-۶- برکت کار و مال در پرتو صناعته صحیح و حلال

در فرهنگ اسلامی کسب در آمد و سود مشروع است، چنان که مستحب است معامله‌ای که انجام می‌گیرد، سودآور و دارای منافع باشد. لیکن آنچه مورد سفارش اولیاء دین است ارائه فعالیت صحیح و تمرکز بر برکت در مال است که مقدمه سعادت انسان است هر چند با سود اندک؛ چنانکه هنگام فروش مستحب است رعایت حال مؤمنین شود و به حداقل سود بسنده شود. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: ربح المؤمن علی المؤمن ربا الا ان یشتري باكثر من مائه درهم فاریح علیه فوت یومک، أو یشتري به للتجاره فاریحوا علیهم و ارفقوا بهم<sup>۳</sup> (عاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۲۹۳). همچنین مستحب است انسان در امر خرید و فروش مسامحه کند و سختگیر نباشد. خصوصا اگر مورد معامله از ابزار و آلات طاعت و عبادت باشد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که می‌فرماید: بارک الله علی سهل البیع، سهل الشراء، سهل القضاء، سهل

۱- یعنی بارالها، خیر آن و خیر اهل آن را از تو خواهانم و از بدی آن و شر اهل آن به تو پناه می‌برم. بارالها، پناه می‌برم از اینکه ظلم بکنم و یا ورد ظلم واقع شوم، یا اینکه طمع کنم و یا مورد طمع دیگران قرار بگیرم، یا حقی را پایمال کنم و یا حقی از من پایمال گردد. بارالها، من از شر ابلیس و جنود او به تو پناه می‌برم و نیز از شر همه ی مردم. خدایا، ای مربی و گرداننده همه‌ی هستی، تنها تو مرا کفایت می‌کنی و توکل و تکیه‌گاه من تو هستی.

۲- یعنی کسی که در بازار ذکر خدا گوید، خداوند به عدد اهل بازار او را مشمول غفران و بخشش خود قرار می‌دهد.

۳- یعنی سودگرفتن مؤمن از مؤمن صحیح نیست، مگر اینکه بیشتر از صد درهم بخرد که می‌تواند مخارج روزانه را روی آن قرار دهد، یا برای تجارت بخرد که در اینجا با رعایت حال، سود گرفتن مانعی ندارد.

الاقتضاء<sup>۱</sup> (همان، ۳۳۲). ترغیب و استحباب تولید و فروش جنس خوب به همین دلیل است. امام صادق علیه السلام فرمودند: فی الجید دعوتان و فی الردی دعوتان، یقال لصاحب الجید: بارک الله فیک و فی من باعک و یقال لصاحب الردی: لا بارک الله فیک و لا فی من باعک (همان، ۳۳۲). یعنی آنکه جنس خوب به دستش می‌رسد، هم فروشنده را و هم تولید کننده را دعا می‌کند و می‌گوید خداوندا به آنها برکت عنایت بفرما و آنکه جنس بد به دستش می‌رسد، می‌گوید خدایا برکت را از آنها بردار. مستحب است با «مخارفین» معامله نشود. مخارف کسی را گویند که در کسب و تجارتش برکت نیست. امام صادق علیه-السلام می‌فرمایند: لا تشتر من مخارف فان صفقته لا برکه فیها<sup>۲</sup> (همان، ۳۰۵) با ترجمه حسن صنعتکار، پیشین).

پیشینیان حکیم ما، بیش و پیش از انباشتن مال و افزودن نقدینگی معتقد به برکت در کار و مال و درآمد بودند و آن را از طریق تقید به شکرگزاری از نعمت‌های الهی می‌دانستند و در پس این برکت، افزونی آرامش روحی و جسمی را جستجو می‌کردند. در فتوت‌نامه آهنگران آمده: سؤال، اگر ترا پرسند که در کار آهنگری چند شرایط است؟ جواب بگو که دوازده شرایط است... و هر استادی که اینها و مسأله‌ها و شرایطها را بداند (حضرت) داوود علیه‌السلام ... از وی راضی و خشنود باشند و هرچه از این کسب خورده باشد و یا پوشیده باشد مَمَر حلال باشد... هر استادی که از این شرایطها و این قاعده‌ها نداند و شرایط بجا نیارد هرچه از این کسب خورده و پوشیده باشد همه حرام باشد و پیش استادان و پیران مقدم فرد(ی) قیامت شرمنده برخیزد و همه لعنت بر وی کنند و فرد(ی) قیامت سیاه روی برخیزد. هزار زنه‌ار فضولی نکند و در خواندن و نگاه داشتن تقصیر نکند (افشار، ۱۳۸۹، ۱۱).

## ۶-۷ نظارت بر مشاغل و حرف

می‌دانیم یکی از موضوعات مبتلا به در اخلاق حرفه‌ای صناعات و مشاغل و همچنین مباحث فقهی، حقوقی، مقوله نظارت بر مشاغل است. چالش‌هایی مانند اینکه از حیث شرعی و قانونی آیا نظارت بر اصناف و سازمان‌های حرفه‌ای مشروعیت دارد؟ در متون صنفی چه میزان به این موضوع پرداخته شده است؟ به دلیل اهمیت موضوع در این مقاله به این مسأله بیشتر خواهیم پرداخت.

۱ - یعنی خدا برکت دهد بر کسی که آسان می‌خرد و آسان می‌فروشد و آسان می‌گیرد و آسان می‌پردازد.

۲ - یعنی از مخارف چیزی نخر، زیرا برکت در خرید و فروش او نیست.

## ۷- اصل نظارت بر مشاغل و حرف در منابع فقه و حقوق اسلامی

### ۷-۱- آیات

نظارت بر بازار بخشی از وظایف حاکمیت می باشد (نظرپور، پیشین، ۲۴۳) و مستند شرعی آن، اصل فراگیر امر به معروف و نهی از منکر است. آیات فراوانی که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

يَا بَنِي آقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنْ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان، ۱۷). وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران، ۱۰۴). كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (آل عمران، ۱۱۰). يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران، ۱۱۴). وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنْ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه، ۷۱).<sup>۱</sup>

### ۷-۲- سنت نبوی و علوی

پیامبر صلی الله علیه و آله بر انباری از طعام گذر کرد، دستش را در آن فرو برد رطوبتی در آن یافت، فرمود: صاحب طعام، این چیست؟ گفت یا رسول الله باران بر آن باریده؛ پس فرمود: چرا آن را بر روی طعام نگذاشته ای تا مردم آن را ببینند. هر که خیانت ورزد از ما نیست. در سیره ی پیامبر نوشته اند که ایشان

۱ - ای سپرک من ، نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش. این [حاکمی] از عزم [ و اراده تو در ] امور است (لقمان، ۱۷).

و باید از میان شما، گروهی [ مردم را ] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند (آل عمران، ۱۰۴).

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند و [ لی ] بیشترشان نافرمانند (آل عمران، ۱۱۰).

به خدا و روز قیامت ایمان دارند ؛ و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند بازمی‌دارند و در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند (آل عمران، ۱۱۴).

و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است (توبه، ۷۱).



پس از فتح مکه شخصی را بر بازار مکه گماشت تا خرید و فروش و دیگر امور را زیر نظر بگیرد و از نابسامانی و بی عدالتی جلوگیری کند (ابن سعد، ۱۹۶۸، ۲، ۱۴۵ به نقل نظرپور، پیشین، ۲۳۳). حضرت علی علیه السلام در دوران حکومتش، از جمله کارهایی که خود به عهده داشت و به ساماندهی آن همت گماشت، امور حسبه بود (نظرپور، ۱۳۸۰، ۲۲۹). ثقه الاسلام کلینی از جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت علی علیه السلام صبحگاهان در بازارهای کوفه می‌گشت و در حالی که تازیانه در دست داشت، بازاریان را به پرهیزگاری، آسانگیری، بردباری و دوری جستن از سوگند و دروغ و ستم فرا می‌خواند و از ربا و کم فروشی و مانند آن باز می‌داشت (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۲، ۲۸۴). می‌فرمود: یا مَعْشَرَ التُّجَّارِ، اَلْفِیْهِ ثُمَّ الْمَتْجَرِ، اَلْفِیْهِ ثُمَّ الْمَتْجَرِ، اَلْفِیْهِ ثُمَّ الْمَتْجَرِ (کلینی، ۱۴۲۹، ۵، ۱۵۰).

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: امیرالمؤمنین علیه السلام بر مرکب رسول الله، شهباء، در کوفه سوار می‌شد و از همه بازارهای کوفه بازدید می‌نمود، روزی به بازار گوشت فروشان رفت و با صدای بلند فرمود: ای قصابان در ذبح گوسفندان شتاب نکنید، بگذارید روح از بدنشان بیرون رود و از دمیدن در گوشت وقتی می‌فروشید بر حذر باشید. همانا از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که از این عمل نهی می‌فرمودند. سپس به بازار خرمافروشان رفت و فرمود: همان‌گونه که خرماهای خوب را در معرض دید می‌گذارید خرماهای بد را نیز در معرض دید بگذارید. سپس به بازار ماهی فروشان رفت و فرمود: غیر از ماهی حلال گوشت نفروشید و از فروش ماهی‌هایی که در دریا مردند و موج آنها را بیرون آب انداخت، خودداری کنید. سپس به محله کناسه رفت که تجارتهای مختلفی از قبیل شتر فروشی، صرافی، بزازی، خیاطی در جریان بود. حضرت با صدای بلند فرمود: در این بازارها قسم خوردن متداول شده است. قسم‌هایتان را با صدقه درهم آمیزید و از قسم خوردن خودداری کنید. همانا خداوند عزوجل کسی را که قسم دروغ بخورد، منزه نخواهد نمود (قاضی نعمان، بی تا، ۲، ۵۳۸ به نقل نظرپور، پیشین، ۲۲۹). با توجه به گستردگی دایره حکومت در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام و عدم امکان نظارت مستقیم خود حضرت، کارگزارانی را بر این امر می‌گمارد و عملاً تشکیلات نظارتی درست می‌کردند. معیارها و چارچوب‌هایی را برای نظارت‌کنندگان و بازرسان بیان نمودند. حضرت تأکید داشتند اشخاصی باید عهده‌دار این سمت شوند که متقی، مؤمن، باتقوی و اهل امانت و صداقت باشند. حضرت در نامه‌اش به مالک اشتر می‌نگارد: پس روزی عاملان را فراخ دار! که فراخی روزی نیروشان دهد تا در پی اصلاح خود برآیند و بی نیازی‌شان بود تا دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند و حجتی بُوَد بر آنان اگر فرمانت را نپذیرفتند، یا در امانت خیانت ورزیدند (نهج-

البلاغه، نامه ۵۳). حضرت بر بازار کوفه خود نظارت می‌نمودند و نمایندگانی را برای نظارت بر سایر بازارها منصوب نمودند و دستورالعملی را برای استانداران نیز ارسال نمودند که بر بازار کنترل نموده و محتکرین را مجازات نمایند (قاضی نعمان، بی‌تا، ۲، ۳۹ به نقل نظرپور، همان). در همین راستا ابن عباس را در بصره مأموریت داد تا بازار را کنترل کند و علی بن اصمغ را بر بازار دیگر بصره مأموریت داد و ابن هرمه را متولی بازار اهواز نمود و سلمان فارسی را بر سلمانی‌ها و قنبر را بر دامداران ناظر دائمی قرارداد (همان، ۲، ۵۳۲ به نقل نظرپور، همان).

این تشکیلات نظارتی و متولیان بازار، وظایف زیر را برعهده داشتند: ۱- جلوگیری از احتکار، ۲- مراقبت و نظارت بر قیمت‌ها (نظرپور، پیشین، ۲۴۰) ۳- مراقبت از سالم‌بودن وزن کردن و ترازوها، ۴- جلوگیری از تجاوز به حریم بازار و تصرف غیر مجاز در آنها، ۵- تفتیش و بازرسی در مورد تقلب و غش در معاملات، ۶- اجازه فعالیت به تاجرانی که شرایط و اوصاف لازم برای فعالیت اقتصادی را دارند، ۷- حل مشکلات بازار، ۸- راهنمایی گمشدگان، ۹- یاری ضعیفان و ناتوانان، ۱۰- نظارت بر ذبح حیوانات و کیفر تخلف‌کنندگان، ۱۱- رسیدگی به امور تجار و حفظ حرمت آنان، ۱۲- برقراری امنیت در راه‌های تجاری، ۱۳- انفاق بر کسانی که مواد غذایی وارد می‌کنند، ۱۴- جبران آن چه که از بازرگانان، تلف می‌شود. ۱۵- جلوگیری از ورود اهل ذمه به حرفه صرافی، ۱۶- جلوگیری از خرید و فروش در مکان‌های غیرمجاز و جایی که سد معبر می‌کرد، ۱۷- جلوگیری از اشیاء ممنوعه مانند فروختن شراب و مردار (عاملی، ۱۳۶۹، ۵۲).

### ۷-۳- سیره عقلا

در تمدن اسلامی نام افرادی که بر بازارها سرپرستی و نظارت و احتساب داشته‌اند در تاریخ آمده است. از اهم وظایف محتسبان، ضمن مراقبت بازارها از معاملات دغلكارانه و غیرمنصفانه بازرگانان و پیشه‌وران و دلان جلوگیری و به امور اصناف نیز رسیدگی و اوزان و مقادیر و پیمان‌ها را بازرسی کند محتسب از رباخواری جلوگیری می‌کرد و حتی سکه‌ها را بررسی می‌کرد و درستی عیار آنها را می‌سنجید. از دیگر وظایف محتسب رسیدگی به بهداشت فرآورده‌ها و ابزار و وسائل تولید و دکان‌های پیشه‌وران و بازارهای آنان و نیز بررسی ساعات کار، درستی کارها و گاه آزمایش صاحبان حرف و مشاغل بود، اصناف را بر تولید مقداری معین از محصول خود ملزم می‌ساخت تا بیش از نیاز تولید نکنند وظیفه دیگر محتسب جلوگیری از

احتکار بود. بر نرخ کالاها نیز که به هنگام ضرورت از طریق شورای کارگزاران حکومت و خبرگان بازار تعیین می‌شد نظارت داشت و در صورت مشاهده تخلف، ابتدا از فرد متخلف تعهد می‌گرفت و اگر این فعل ناپسند ادامه می‌یافت او را از بازار اخراج می‌کرد (اکبری، ۱۳۹۲). وظایفی که امروزه بخشی از وظایف سازمان‌های صنفی، شهرداری، نیروی انتظامی و قوه قضائیه است.

خواجه نظام‌الملک طوسی در سیاست‌نامه آورده است: به هر شهری محتسبی باید گماشت تا ترازوها و نرخها راست می‌دارد و خرید و فروختها می‌داند ... و امر معروف و نهی منکر به جای آرند و پادشاه و گماشتگان باید که دست او قوی دارند که یکی از قاعده‌ی مملکت و نتیجه‌ی عدل این است؛ و اگر جز این کنند درویشان در رنج افتند و مردم بازارها چنان که خواهند خردند و چنان که خواهند فروشدند و فضله جویی مستولی شوند و فسق آشکار شود و کار شریعت بی‌رونق گردد (طوسی، ۱۳۴۰، ۵۲-۵۱).

میرفندرسکی اهل بطالت و تن‌آسایان و قلندران را به موی زاید بدن (بغل و زهار) تشبیه نموده که نباید در ستردن آنها سستی کرد. وی در رساله صناعیه ضرورت نظارت بر جامعه را چنین بیان می‌کند: در جامعه انسانی، کسانی که مضرند یا سودمند نیستند یا غیرفعالند به اقتضای موقعیت و زمان، جامعه باید در برابر آنان یکی از این سه واکنش را نشان دهد: الف، قطع کردن آن عضو مضر، هم چون ملحدان؛ ب، اصلاح آن عضو؛ هم چون فاسقان و بطالان؛ ج، نادیده‌انگاشتن آن عضو، هم چون عاجزان، کوران، بیماران مزمن و انسان‌های ابله. برای حفظ نوع و بقای کل، برخورد با افرادی را که به نوع بشر خلل می‌رسانند، عین عدل و مایه استواری نظام است (میر فندرسکی، ۱۳۸۷، ۸۹).

شهاب‌الدین سهروردی در فتوت‌نامه خویش در باب نظارت استاد بر شاگردش می‌گوید: استاد، باید همواره در اندیشه شاگرد باشد، چه او حاضر باشد چه غایب. اگر از شاگرد خطایی در فتوت سر زد، صاحب (استاد) در حالی که سر و چشمش به زیر است، باید به او بگوید: این خطا و سهو از تو در وجود آمد. در هر مقام که باشی، مرا حاضر دان که دیده دل و چشم و گوش و خاطر و همت ما سوی توست و در هر مقام که باشی، به حرکات تو حاضر و واقفیم. اگر استادی این دوستی را نداشته باشد، استاد نیست، بلکه فقط به معنای مجازی استاد است. اگر استادی نسبت به سهو خطای شاگردان بی‌اعتنا باشد، دیگر حقی بر گردن ایشان ندارد. استاد، باید همواره در اندیشه آموزش شاگرد باشد (صراف، ۱۳۷۰، ۲۳۰).

#### ۷-۴- قوانین موضوعه

در قانون اساسی بخش چهارم نیز به اقتصاد و امور مالی پرداخته است. در این بخش، ضمن اصل

چهل و سوم، اصول و کلیاتی است که می‌تواند مبانی و کلیاتی درباره‌ی نظارت بر بازار ارائه دهد، ۵ - منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام؛ ۶- منع اسراف و تبذیر در همه شؤون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات؛ ۸ - جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور. در اصل چهل و نهم نیز دولت موظف شده است، ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت که در بازار نیز امکان به دست آمدن آن فراوان است و سایر موارد غیرمشروع را اخذ و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم‌نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی، به وسیله‌ی دولت اجرا شود. در اصل پنجاهم، به منظور حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند ... فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع اعلام شده است. همچنین « قانون اصلاح قانون نظام صنفی کشور<sup>۱</sup> » در مواد و تبصره‌های زیادی بحث نظارت بر اصناف و مشاغل را شرح و بسط داده است.<sup>۲</sup>

## ۸- نتیجه‌گیری

۱- فقه شیعه به اقتضای جامعیت خود، یکی از منابع غنی برای استخراج اخلاق حرفه‌ای کسب‌وکار است.

- ۱- قانون ۴۸۹۲۳، مشتمل بر پنجاه و نه ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوازدهم شهریورماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۲۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.
- ۲- ماده ۴ - صنف: عبارت است از گروهی از افراد که طبیعت فعالیت آنان از یک نوع باشد. صنف مشمول این قانون، با توجه به نوع فعالیت آنها به دو گروه تولیدی - خدمات فنی و توزیعی - خدماتی تقسیم می‌شوند.
- ماده ۵ - پروانه کسب: مجوزی است که طبق مقررات این قانون به‌منظور شروع و ادامه کسب‌وکار یا حرفه به صورت موقت یا دائم به فرد یا افراد صنفی برای محل مشخص یا وسیله کسب معین داده می‌شود.
- ماده ۳۲ - اتاق اصناف هر شهرستان مرکب از رؤسای اتحادیه‌های صنوف تولیدی - خدمات فنی و توزیعی - خدماتی است.
- ماده ۴۲ - اتاق اصناف ایران متشکل از نمایندگان هیأت رئیسه اتاقهای اصناف شهرستان‌های کشور است.
- ماده ۴۵ - وظایف و اختیارات اتاق اصناف ایران به‌شرح زیر است:
  - ۱ - ابلاغ دستورالعمل‌های اجرائی و نظارتی مصوب هیأت‌عالی نظارت به اتاق‌های اصناف شهرستان‌ها
  - ۳ - ساماندهی امور مرتبط با اصناف و مشارکت در تنظیم بازار
  - ۶ - نظارت بر عملکرد اتاقهای اصناف شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها و مدیریت بازرسی و نظارت آنها بر واحدهای صنفی
- ماده ۵۲ - کمیسیون نظارت موظف است برای نظارت بر واحدهای صنفی، بازرسان و ناظرانی از بین معتمدان خود تعیین کند. گزارش بازرسان و ناظران برای مراجع قانونی ذی‌صلاح قابل پیگیری است. برای بازرسان و ناظران از سوی کمیسیون نظارت کارت شناسایی صادر می‌شود.

- ۲- در ابواب گوناگون فقهی، اصول اخلاق حرفه‌ای در قالب واجبات، محرمات، مستحبات و مکروهات فقهی بیان شده است.
- ۳- این آموزه‌های فقهی، پدیدآورنده نوعی خاص از مبانی و اصول اخلاق حرفه‌ای است که در عرصه اقتصاد، کسب‌وکار و صناعت نمودار است.
- ۴- مبانی اخلاق حرفه‌ای و آداب صناعات در متون حرفه‌ای به‌ویژه فتوت نامه‌های صنفی انعکاس یافته است.
- ۵- در فقه شیعه قواعد عامی مانند قاعده لاضرر، قاعده نفی عسر و حرج، قاعده اکل بالباطل و لزوم وفای به تعهدات وجود دارد که باعث استخراج اخلاق حرفه‌ای ویژه‌ای می‌شود.
- ۶- مبانی و اصولی مانند وجوب تأمین معیشت زندگی و شرافت بخشی به صناعت، لزوم کسب دانش در کسب‌وکار، لزوم تأسی به سیره پیشوایان توحیدی در صناعت، لزوم توجه به اخلاق و منویت در صناعات، لزوم ذکر و دعا و توحید محوری در صناعت، برکت کار و مال در پرتو صناعت صحیح و حق نظارت بر مشاغل در اخلاق حرفه‌ای صناعات قابل برداشت است.
- ۷- اصل نظارت بر مشاغل و حِرَف از منابع فقه و حقوق اسلامی به خوبی قابل استنباط است، نظارت بر جامعه مسلمین خصوصاً بازار و حرفه‌ها، بخشی از وظایف حاکمیت بوده و مستند شرعی آن، آیات امر به معروف و نهی از منکر، سیره و سنت پیامبر اکرم و روش امام علی علیه السلام، سیره عقلا و متشرعه اهل صناعت و قوانین موضوعه می‌باشد.

### فهرست منابع

- قرآن کریم.  
 نهج‌البلاغه.  
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.  
 ۱- ابن سعد، محمد، (۱۹۶۸)، الطبقات الکبری، دارصادر، بیروت.  
 ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، چاپ سوم.  
 ۳- افشار، ایرج، (۱۳۸۹)، فتوت‌نامه آهنگران، ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت سال ۵ شماره ۱۲ شماره پیاپی ۶۰.

- ۴- افشاری، مه‌ران، (۱۳۸۲)، فتوت‌نامه‌ها و رسائل خاکساریه (سی رساله)، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- ۵- اکبری لیاولی، علی، (بازیابی، چهارشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۲)، مقاله تاریخیچه اصناف در جهان اسلام  
www.tebyan.com
- ۶- امین‌پور، احمد و آقاشریفیان، مه‌رداد، (۱۳۹۲)، فتوت‌نامه‌ی معماری، اصول چهارده‌گانه اخلاق حرفه‌ای معماری  
شهرسازی، مجله فیروزه اسلام، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- ۷- انصاری دزفولی (شیخ اعظم)، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵)، کتاب المکاسب، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ  
اعظم انصاری، قم، چاپ اول.
- ۸- ایروانی، جواد، (۱۳۸۸)، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، جلد ۲، واحد نشر دانشگاه علوم اسلامی  
رضوی، مشهد، چاپ سوم.
- ۹- آزاد، میترا، (۱۳۸۴)، آیین جوانمردان و آموزش سنتی معماران در ایران، مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و  
آموزش هنر، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تهران، صص ۹-۴۰.
- ۱۰- آقاشریفیان، مه‌رداد و عبد الرسول احمدیان، (۱۳۹۱)، فتوت اصنافی الگوی اسلامی ایرانی کسب و کار.
- ۱۱- بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، (۱۴۰۱)، قواعد فقهیه موضوع قواعد فقهی، مؤسسه عروج، تهران.
- ۱۲- بروجری طباطبایی، حسین، (۱۴۲۹)، منابع فقه شیعه، مترجمان: حسینیان قمی، مهدی- صبوری، محمد  
حسین، جلد ۳۱، انتشارات فرهنگ سبز، تهران.
- ۱۳- جزری، ابوالحسن علی بن محمد بن الاثیر، (۱۳۷۰)، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، دارالشعب، بیروت.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاه، مرکز نشر اسراء، قم.
- ۱۵- حرانی، ابن شعبه، (۱۳۷۶)، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، انتشارات علمیه اسلامی، تهران، چاپ اول.
- ۱۶- حسن بن علی، نظام‌الملک طوسی، (۱۳۴۰)، سیرالملوک (سیاست‌نامه)، چاپ هیوبرت دارک، تهران.
- ۱۷- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۱)، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، دفتر انتشارات  
اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
- ۱۸- حلی (محقق)، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم،  
چاپ دوم.
- ۱۹- خانمحمدی، علی اکبر، (۱۳۷۱)، فتوت نامه معماران و بنایان، صفة، دوره دوم، (شماره پنجم).
- ۲۰- خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۱۷)، تاریخ بغداد او، مدینه السلام، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی  
بیضون، بیروت لبنان.
- ۲۱- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغتنامه دهخدا، نشر دانشگاه تهران، تهران.
- ۲۲- رضایی، مجید، (۱۳۸۳)، کار اقتصادی در پرتو بینش و ارزش‌های اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی، بهار، شماره  
۱۳ صص ۴۲-۱۱.

- ۲۳- رضوانی، احمد و همکاران، (۱۳۹۳)، اخلاق و آداب تجارت در فقه شیعه، چهارمین همایش ملی اخلاق با موضوع اخلاق و آداب زندگی، دانشگاه زنجان.
- ۲۴- شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۴)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیه الله سید محمود هاشمی شاهرودی، ۶ مجلد، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، قم.
- ۲۵- شیخ حرعاملی، محمد بن حسین، (۱۳۶۷)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
- ۲۶- صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
- ۲۷- صراف، مرتضی، (۱۳۵۲)، رسایل جوانمردان، شامل هفت رساله، معین، انجمن ایران شناسی فرانسه، تهران.
- ۲۸- صنعتکار، حسن، (۱۳۸۶)، اخلاق در بازار «به ضمیمه فتاوی حضرت امام خمینی (قدس سره) در آداب کسب و تجارت»، بوستان کتاب، قم.
- ۲۹- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۳۶۹)، بازار در سایه حکومت اسلامی (السوق فی ظلّ الدّولة الاسلامیة)، ترجمه سیدمحمد حسینی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۳۰- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، (۱۴۱۰)، اللمعه دمشقیه فی فقه الإمامیه، دار التراث - الدار الإسلامیه، بیروت، چاپ اول.
- ۳۱- عاملی (شیخ حرّ)، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
- ۳۲- عقلی خراسانی، سید محمدحسین، (۱۳۸۶)، خلاصه الحکمه، تصحیح اسماعیل ناظم، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، تهران.
- ۳۳- فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۸۵)، اخلاق حرفه‌ای، نشر مجنون، تهران، چاپ سوم.
- ۳۴- قاضی، ابی حنیفه النعمان بن التیمی المغربي، (بی تا)، دعائم الاسلام، دارالمعارف، مصر.
- ۳۵- کرین، هانری، (۱۳۶۳)، آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، نشر نو، تهران.
- ۳۶- کفوی، ابوالبقاء ایوب بن موسی الحسینی، (۱۴۱۹/۱۹۹۸)، الکلیات: معجم فی المصطلحات والفروق اللغویه. تحقیق: عدنان درویش و محمد المصری، مؤسسه الرساله (نسخه الکترونیکی)، بیروت.
- ۳۷- کلاتتری، ابراهیم، اسماعیل کلاتتری، فاطمه محمودی، (۱۳۹۲)، «شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی در حوزه کسب و کار از دیدگاه برخی آیات و روایات»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش نامه اخلاق، سال ششم، زمستان ۹۲، شماره ۲۲، ص ۳۳-۵۸.
- ۳۸- کلاتتری، علی اکبر، (۱۳۸۴)، اخلاق و آداب کسب و تجارت، شیراز، کوشامهر.
- ۳۹- کرمی و پورمند، محمد مهدی و محمد، (۱۳۸۰)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، قم، چاپ اول.

- ۴۰- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹)، الکافی، دار الحدیث للطباعه و النشر، قم، چاپ اول.
- ۴۱- مجلسی (علامه)، محمداقرا، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم.
- ۴۲- مجلسی (علامه)، محمداقرا، (۱۳۹۲)، حلیه المتقین در آداب و سنن و اخلاق اسلامی، پیام مقدس، تهران، چاپ اول.
- ۴۳- محدث نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت، چاپ اول.
- ۴۴- مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۶۰)، کلیات مثنوی معنوی، تحقیق استاد فروزانفر، جاویدان، تهران.
- ۴۵- میر فندرسکی، میرزا ابوالقاسم، (۱۳۸۷)، رساله صناعیه، تحقیق، حسن جمشیدی، مؤسسه بوستان کتاب، قم.
- ۴۶- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۹۱)، بازتاب قواعد اخلاقی در قوانین راجع به کسب و کار در حقوق اسلام و ایران، نامه مفید، انتشارات دانشگاه مفید، قم، شماره ۹۱.
- ۴۷- ناظمی، میترا، (۱۳۸۹)، آئین جوانمردی، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، سال پنجم شماره ۱۲، پیاپی ۶۰، صص ۲۰-۲۶.
- ۴۸- نجفی، محمد حسن، (بی‌تا)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
- ۴۹- ندیمی، هادی، (۱۳۷۴)، آیین جوانمردان و طریقت معماران، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ارگ بم، جلد ۲، انتشارات میراث فرهنگی، تهران.
- ۵۰- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۵)، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، موضوع، ۱۹ مجلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
- ۵۱- نظریور، محمدتقی، (۱۳۸۰)، امام علی، حکومت و بازار، مجله کتاب نقد، شماره ۱۹، صص ۲۲۴-۲۷۳.
- ۵۲- واعظ کاشفی سبزواری، حسین، (۱۳۵۰)، فتوت‌نامه سلطانی، به اهتمام محمدجعفر محجوب، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- ۵۳- ولایی، عیسی، (۱۳۷۸)، کار در منابع اسلامی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران.



## الأخلاق الاحترافية للمهن و الأشغال في الفقه الشيعي و النصوص النقابية (دراسة خاصة عن حق الإشراف على المهن)

مهرداد آقاشريفيان، عضو الهيئة التدريسية بجامعة الفنون الجميلة، اصفهان، ايران (الكاتب  
المسؤول)

پرويز رستگار جزى، استاذ مشارك في قسم علوم القرآن و الحديث بجامعة كاشان، ايران  
محسن قاسم پور راوندی، استاذ مشارك في قسم علوم القرآن و الحديث و رئيس المجمع  
الجامعي للنبات بجامعة كاشان، ايران

### الملخص:

يتميز الفقه الشيعي بكونه جامعاً وشاملاً وذلك يجعله من المصادر الغنية والهامة لمطالعة ودراسة الآداب والأخلاق للمهن والتكسب. في الأبواب المختلفة والمتعلقة بالمهن والحرف، والتجارة والمكاسب أشار الفقهاء إلى تعاليم متعددة في إطار الواجبات والمحرمات وفي بعض الأحيان أشاروا إلى المستحبات والمكروهات. هذه التعاليم الفقهية تشكل نوعاً خاصاً من المباني والأصول للأخلاق الاحترافية التي تتمثل في مجال الاقتصاد والأشغال والحرف. ومن جانب آخر، انعكست هذه المباني للأخلاق الاحترافية وآداب المهن في النصوص المتعلقة بالمكاسب الخاصة في المواثيق الأخلاقية للسنن المختلفة من الحرف والمهن. هذه المقالة كدراسة فقهية تهدف إلى تبين مدى التأثير للفقه الشيعي في تكوين المباني الخاصة في الأخلاق الاحترافية في الأشغال والمهن. وذلك يتم من خلال المراجعة إلى الكتب والتوصيف والمقارنة بين التعاليم الفقهية من جانب، ودراسة النصوص النقابية من جانب آخر. السؤال الرئيسي في هذه المقالة هو: أنه أية أصول يمكننا استخراجها واستنباطها من خلال التحليل والمقارنة بين تعاليم الفقه الشيعي والنصوص النقابية؟ والحصيلة لهذه المقالة هي التبيين لبعض الأصول مثل الوجوب لتوفير مستلزمات الحياة، إعطاء الشرف للمهن، وجوب التعلم في مجال العمل والتكسب، لزوم اتباع سيرة الأئمة للأديان السماوية في المهن، لزوم الاهتمام بالمبادئ الأخلاقية في الحرف، لزوم الذكر والدعاء والتشبث بالمبادئ التوحيدية في المهن، البركة في العمل والأموال تنجم عن الحرف الصحيحة، خاصة أن التحليل الفقهي والقانوني لمبدأ الإشراف على الأشغال يُعتبر من المباني للأخلاق الاحترافية في الأشغال.

المفردات الرئيسية: الفقه الشيعي، الاحرفية، العمل و التكسب، الأخلاق الاحترافية، حق الإشراف.